

هفتگی حجت الاسلام پناهیان با موضوع «راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی»/تنها مسیر-۳۳

پناهیان: کسانی که نتوانسته‌اند مبارزه با نفس کنند، در واقع نخواسته‌اند مبارزه کنند/ با برچیده شدن نظام سلطه، معلوم می‌شود مبارزه با نفس چقدر آسان بوده

جلسات هفتگی هیئت محبین امیرالمومنین(ع) جمعه‌ها بعد از نماز مغرب و عشاء، در محل مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین با سخنرانی حجت الاسلام علیرضا پناهیان و با موضوع «تنها مسیر»(راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی) و در ادامهٔ مباحث بسیار مهم ماه مبارک رمضان برگزار می‌شود. در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در **سی و سومین جلسه** را می‌خوانید:

کسانی که نتوانسته‌اند مبارزه با نفس کنند، در واقع نخواسته‌اند مبارزه کنند/ ناتوانی فراگیر در مبارزه با هوای نفس ناشی از سلطهٔ طاغوت است / با برچیده شدن نظام سلطه، معلوم می‌شود مبارزه با نفس چقدر آسان بوده

- راه مبارزه با نفس، یک راه بسیار نورانی و زیبا است که در جلسات قبل تلاش کردیم این راه را بهتر بشناسیم. اولین قدم بعد از این شناخت، پیدا کردن نگرشی بود که در آن نفس را دشمن خود بدانیم تا واقعاً مبارزه با نفس را شروع کنیم. قدم دوم، عزم است که رفتن این راه را فوق‌العاده آسان می‌کند. «عزم» داشته باشی، توانایی بر مبارزه با نفس پیدا می‌کنی. کسانی که نتوانسته‌اند مبارزه با نفس کنند، در واقع نخواسته‌اند که مبارزه کنند.
- این ناتوانی فراگیر در مبارزه با هوای نفس ناشی از سلطهٔ طاغوت است و الا انسان‌ها توانایی طی این مسیر را دارند. انشاءالله وقتی این «نظام سلطه» که بشریت را در جهان به بردگی کشیده است و بد بودن را در مرحلهٔ اول، او به انسان‌ها تحمیل و تلقین کرده، نابود شود؛ همه خواهند دید که مبارزه با نفس چقدر آسان بوده است. افراد رذلی که برای نظام سلطه کار می‌کنند، به راحتی انسان‌ها را از رسیدن به بالاترین سعادت‌ها باز می‌دارند و حق چنین افرادی این است که خداوند آن‌ها را در عذاب مخلّد کند.
- اینکه می‌گویم مبارزه با هوای نفس آسان است، چون به آثار با برکت «عزم» نگاه می‌کنم. وقتی عزم بر مبارزه با نفس می‌کنی راه برای بهره‌مند شدن از عنایت پروردگار عالم هموار می‌شود.
- برای توجه بیشتر به فعل درونی «عزم»، می‌توان به این روایت توجه کرد. امام جواد(ع) می‌فرماید: «با دل قصد خداوند متعال را نمودن، انسان را بهتر به مقصود می‌رساند تا اذیت شدن جوارح بدن انسان به واسطه عمل؛ الْقَصْدُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِالْقُلُوبِ أَبْلَغُ مِنْ إِنْتَابِ الْجَوَارِحِ بِالْأَعْمَالِ» (کشف الغمه/ج ۲/ص ۳۶۸) در راه مبارزه با نفس نیاز به کار و عمل ویژه و سختی نیست، فقط همین که قصد و عزم داشته باشی که در راه رسیدن به قرب خدا مبارزه با نفس کنی، سختی‌های راه آسان می‌شوند.
- روایتی در مورد عزم داریم که هم آیت الله العظمی بهجت(ره) در پیام معنوی خود به آن اشاره می‌کنند و هم در دو مورد از ادعیه که از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) نقل شده، به چشم می‌خورد: «خدا یا! من فهمیدم با فضیلت‌ترین توشه راحل به سمت تو، عزم و اراده است؛ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ أَفْضَلَ زَادِ الرَّاحِلِ إِلَيْكَ عَزْمُ إِرَادَةٍ» (مصباح المتجهد/ج ۲/ص ۸۱۵) یعنی مهم‌ترین توشه‌ای که در راه و مسیر به سمت خدا می‌توان داشت، عزم و اراده است.

- آیت الله بهجت (ره) رضوان الله تعالی علیه در پیامی که به درخواست جماعتی از مؤمنین و مؤمنات برای نصیحت نوشته‌اند، در انتهای پیام می‌فرماید: «از خدا می‌خواهیم که عیدی ما را در اعیاد شریفه اسلام و ایمان، موفقیت به «عزم راسخ ثابت دائم بر ترک معصیت» قرار بدهد که مفتاح سعادت دنیوی و اخروی است» (به سوی محبوب، ص ۳۵) و در پاسخ به سوالی درباره اینکه با چه کاری می‌توان بر تقوی و سیر به سوی خداوند متعال قوت پیدا نمود؟ نوشته‌اند: «بسمه تعالی - العزم الثابت الدائم علی ترک المعصية فی الاعتقاد و العمل» (به سوی محبوب، ص ۶۶)

وقتی عزم و اراده مبارزه با نفس داشته باشی، حتی اگر گاهی زمین بخوری، واقعاً زیاد اهمیتی ندارد

- وقتی عزم و اراده مبارزه با نفس داشته باشی، حتی اگر گاهی زمین بخوری، واقعاً زیاد اهمیتی ندارد. مهم این است که عزم کنیم و در این عزم ثابت قدم باشیم، بقیه‌اش را خدا دستگیری می‌کند. امام باقر (ع) می‌فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ مَعْنَى بِمُجَاهَدَةِ نَفْسِهِ لِيُغْلِبَهَا عَلَى هَوَاهَا فَمَرَّةٌ يُقِيمُ أَوْدَهَا وَيُخَالِفُ هَوَاهَا فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ وَ مَرَّةٌ تَصْرَعُهُ نَفْسُهُ فَيَتَّبِعُ هَوَاهَا فَيَنْعَشُهُ اللَّهُ...» (تحف العقول/ص ۲۸۴) یعنی مؤمن سخت متوجه جهاد با نفس است و در رنج و تلاش است تا بر هوای نفس خود غلبه کند، حالا یک مرتبه با خواهش نفس خود مخالفت می‌کند، یک بار هم نفس او را زمین می‌زند و از نفس خود تبعیت می‌کند ولی خدا او را بلند می‌کند و مشکل او را اصلاح می‌کند و ضایعاتش را جبران می‌کند. او هم به سمت توبه و ترس از خدا می‌رود، بصیرت او زیاد می‌شود، این است که خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (اعراف/۲۰۱) یعنی کسانی که تقوی دارند وقتی وسوسه‌ای از سوی شیطان به آنان می‌رسد، متذکر می‌شوند و بصیرت پیدا می‌کنند.

متقی یعنی کسی لااقل بنای رعایت اوامر خدا را داشته باشد/عزم، یکی از معانی تقوا / قرار است ما اراده کنیم و خدا دست ما را بگیرد

- یکی از معانی تقوا، عزم است. یعنی متقی، کسی است که بنا دارد مراقبت کند. البته تقوی درجات مختلف دارد. تقوی در درجه‌های عالی در شرایطی است که تمام عزم‌ها را محقق کرده است ولی در درجات پائین‌تر این است که بنای مخالفت با هوای نفس خود را در جریان اطاعت از خدا دارد.
- شاید به همین علت باشد که خداوند در قرآن فرموده است: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (مائده/۲۷) اگر پذیرفته شدن اعمال فقط متعلق به درجات عالی تقوی باشد، کسانی که در مراتب پائین تقوی قرار دارند و تازه شروع کرده‌اند که نخواهند توانست قدم از قدم بردارند! پس علی القاعده پذیرفته شدن عمل باید به درجات ابتدایی تقوی هم تعلق بگیرد.
- شاید این آیه کریمه که می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره/۲) به این معنی باشد که قرآن فقط افرادی را که لااقل بنای رعایت اوامر خدا را داشته باشد هدایت خواهد کرد و منظور این نیست که قرآن فقط کسانی را هدایت می‌کند که در اوج تقوا باشند و هیچ معصیتی نکنند.
- مهم این است که فرد عزم کرده و در مسیر قرار بگیرد، خدا در بقیه راه، او را می‌برد. بنا نیست که این راه را ما خودمان برویم، که اگر شکست خوردیم بخواهیم بگوئیم «خدایا من نتوانستم بیایم!» بنا است ما اراده کنیم و خدا دست ما را بگیرد. مثال ما در این راه مانند بچه‌ای است که همراه پدرش قایق پدالی سوار شده باشد. پدر پا می‌زند و قایق را جلو می‌برد و فرمان هم دست او است ولی پسر که آن طرف پا را بر روی پدال گذاشته و پا زدن او هیچ تأثیری ندارد و تلاش بی‌تأثیری دارد، فکر می‌کند او هم در حرکت

قایق نقشی دارد. ما نقش اندکی در رسیدن به ساحل داریم چون با خدا حرکت می‌کنیم و مسلماً او موثرتر از ماست. انگار فقط اراده می‌کنیم که سوار این قایق شویم.

- اگر مسیر مبارزه با نفس را اینطور نبینیم در صورت موفقیت در مبارزه با هوای نفس دچار عجب می‌شویم. و بخاطر اینکه در اثر عجب خراب نشویم، خدا از اول بسیاری از توفیقات را از ما سلب می‌کند.

عزم؛ اولین مرحله اخلاص است / خدا کسی را پاک می‌کند که عزم اخلاص داشته باشد

- عزم، اولین مرحله اخلاص هم هست. اگر خدا بفهمد که بنده‌اش دوست دارد مخلص شود، خداوند زندگی او را اداره خواهد کرد. کسی که به این سادگی نمی‌تواند مخلص شود، مهم این است که عزم کرده باشد مخلص شود. رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «خداوند متعال می‌فرماید: هرگاه دل بنده‌ام را نگاه کنم و ببینم که از روی اخلاص و برای خشنودی من طاعتم را به جا می‌آورد، اصلاح و تربیت او را خودم به عهده می‌گیرم و به او نزدیک می‌شوم؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَا أَطَّلِعُ عَلَى قَلْبِ عَبْدٍ فَأَعْلَمُ فِيهِ حُبَّ الْإِخْلَاصِ لِرِجَالِي لَوْجِهِي وَابْتِغَاءِ مَرْضَاتِي إِلَّا تَوَلَّيْتُ تَقْوِيمَهُ وَ سَيَّاسَتَهُ وَ تَقَرَّبْتُ مِنْهُ» (مصباح الشریعه/ص ۹۲)
- کسی که واقعاً بخواهد مبارزه با نفس کند، خدا دست او را می‌گیرد. خدا کسانی را پاک نمی‌کند که حاضر نیستند از بدی‌هایشان دست بردارند. دلیل اینکه زبیر گمراه شد این بود که نخواست یکی از بدی‌هایش که حسادت نسبت به علی بن ابیطالب (ع) بود را کنار بگذارد. لذا هیچکدام از بدی‌هایمان را نباید از خدا پنهان کنیم.
- عزم، رفتن این راه را آسان می‌کند. عزم برای انجام عمل هم بسیار مؤثر است. مثلاً برای سحرخیزی، عزم سحرخیزی داشتن مشکل را حل می‌کند. کسی که عزم نماز شب خواندن دارد، شب کمتر غذا می‌خورد یا زودتر می‌خوابد و موفق به سحرخیزی می‌شود. ولی خود عزم هم بسیار مؤثر است.

غفلت می‌تواند عزم انسان را از بین ببرد/ ذکر و محاسبه نفس می‌تواند باعث تقویت عزم شود

- چه چیزی عزم ما را از بین می‌برد؟ غفلت می‌تواند عزم انسان را از بین ببرد همچنانکه به فکر بودن و «ذکر» هم عاملی است که می‌تواند باعث تقویت عزم شود. ما وقتی حواسمان از عزمی که کرده‌ایم پرت شود و ساعت‌ها بگذرد و یادمان نیاید چه عزمی داشتیم کم کم عزممان ضعیف می‌شود.
- محاسبه نفس نیز می‌تواند تقویت عزم را به دنبال داشته باشد. محاسبه مداوم نفس آن قدر مهم است که امام موسی بن جعفر (ع) می‌فرماید: «کسی که هر روز نفس خود را محاسبه نکند، از ما اهل بیت (ع) نیست؛ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ» (کافی/ج ۲/ص ۴۵۳) تداوم عزم، با محاسبه نفس است و محاسبه نفس، عزم را نگه می‌دارد و حفظ می‌کند و حتی موجب تقویت آن می‌شود.

